

بیریم



سی پانصد، من بیشتر روی دست کار کردم؛ نه تراولینگ داشتیم و نه چیزهای دیگر؛ چون باید حالت مستندی کار من حفظ می‌شد، از طرف دیگری چون روایت ما در سال شصت و چهار هست، یک مقدار در اصلاح رنگ مان به سمت نگاتیو رفتیم، چون بالاخره باید رنگ و حس و حال آن دهه را نشان می‌دادیم.

در باز بگردان و عوامل پشت صحنه تغییری داشته‌اند؟

ما فقط جلوه‌های ویژه بصری را عوض کردیم چون کارشان خوب نبود و بعد شخصی را آوردیم که قطعاً کل‌دید سیم‌رغ می‌شود و از نظر بنده سیم‌رغ حق ایشان هست.

در اثر شما پدیده تو ظهور باز بگری هست؟

بله ما باز بگری به نام آقای آرمان جوکار داریم که نقش رئیس دفتر شهید ستاری را بازی می‌کند.

تحوه انتخاب ایشان به چه صورت بود؟

در یکی از کارهای تئاتر دعوت شده بودم که نام کارگردان کار خاطرم نیست، ایشان را دیدم و کارشان خوب بود و در خاطرم ماند، بعد دوستان برای این کار پیشنهاد کردند، بررسی کردم و برای کار دعوتشان کردم.

اثر شما در چه اثری قرار می‌گیرد؟

دفاع مقدس

برای های باور در جشنواره چهل و یکم چه اندازه و چه شانس‌هایی قائل هستید؟

هدف اصلی من آشنایی و به اثبات رساندن عملیات والفجر هشت بود، طبق تحقیقاتی که انجام دادم در تاریخ جنگ‌های دنیا سلیقه نداشته در بیست روز، هفتاد و هشت هواپیما منهدم شود، در حد هفت یا هشت تابوده است، باور این موضوع حتی برای بازیگران و عوامل هم سخت بود، تا اینکه اسناد و مدارک و آرشیوها را دیدند، اما از نظر من، جلوه‌های ویژه بصری، فیلم برداری، صحنه و ویلیس، خانم خداوردی و آقای نادری می‌توانند شانس سیم‌رغ را داشته باشند.

اتابک نادری، باز بگر:

می‌خواستم روایت شهید ستاری را

درست و صمیمی ارائه بدهم

چه چیز از فیلمنامه اثر برای شما جذاب بود که نقش را بپذیرفتید؟

من دوست دار این هستم که نواخ ما زندگی و عملکردشان ثبت شده و از آن‌ها کار ساخته شود، از این نوع کارها در سینمای جهان زیاد است و متأسفانه در سینمای ما خیلی کم است، یک خاطره برای شما بگویم، قبل از کرونا در سلن تئاتر بودم، پسر بچه‌ای نه ساله آمد و پرسید: آقا شما در سریال شوق پرواز، شهید ار دستلی بودید؟ گفتم: بله، گفت: من خیلی سریال را دوست داشتمم و وقتی بزرگ شدم، می‌خواهم خلبان بشوم، این همان چیزی است که باید به دنبال آن باشیم و در ایش تلاش کنیم، الگو کردن قهرمان‌های واقعی کشور برای نسل‌های جوان تر، از سؤال شما دور نشویم، این کار شخصیت محور بود و شهید ستاری را روایت می‌کرد، اما آن وجه از شهید را که به نبوغ و عملکرد خاص او مربوط بود، در واقع وجه قهرمانانه شهید را به واسطه تخصص به تصویر می‌کشید، این‌ها دلایل من برای پذیرش این نقش بودند.

زمینه همکاری شما با کارگردان اثر چگونه شکل گرفت؟

آقای محمد پور در حوزه تئاتر فعالیت داشتند و چهار، پنج سال پیش در اجراهای تئاتری بهم آشناسخیم، سال پیش برای یک کار کوتاه داستانی به سفارش نیروی پدافند ارتش از من دعوت کردند که آن زمان صحبت این پروژه هم شده بود و امسال بعد از عید کلید زدند و همکاری در این پروژه شروع شد.

کار اکثر، چه اندازه نسبت به زیست شخصی شما دور یا نزدیک بوده است؟

شخصیت شهید اساساً شخصیت فاصله داری از همه ما است، اما شخصیت شهید ستاری هم از من بسیار فاصله دار بود.

برای رسیدن به نقش چه اندازه تحقیقات میدانی با مطالعه داشته‌اید؟

در مورد شخصیت شهید ستاری همه ما چیزهایی شنیده ایم، اما من بسنده نکردم و درباره ایشان هم مطالعه‌ای داشتم و هم تحقیقات میدانی انجام دادم، قبل از اینکه فیلم برداری شروع شود با چند تن از همکاران ایشان که بازنشسته شده بودند ترتیب ملاقات حضوری دادم و با آن‌ها به گفت و گو نشستیم، و نه تنها به نزدیک شدن من به حال و هوای شخصیت کمک کرد، بلکه حتی چند اکت استفاده شده در کار هم از نکاتی است که آن دوستان برای من تعریف کرده‌اند، مدنظرم این نبوده که ادای شهید ستاری را در بیاورم، می‌خواستم روایت شهید ستاری را درست و صمیمی ارائه بدهم.

من حدود سه ماه خدمت سررتیب براتعلی غلامی رفتم، ایشان با توجه به خاطراتی که داشتند شروع به صحبت می‌کردند، از زمان بدر و خبیر که تلفات ما زیاد بود و برای نیروی هوایی و نیروهای مسلح درگیر در دفاع مقدس دغدغه شده بود گرفته، تا خصوصیات شهید ستاری و شهید بلبانی و شهید ار دستلی می‌گفتند، این پازل‌ها را کنار هم گذاشتم و خط اصلی داستان مان مشخص شد، سپس بر اساس شنیده‌ها و تحقیقاتی که داشتم و خصوصیات اخلاقی و رفتاری که این بزرگواران داشتند، پیرنگ‌های فرعی مان را چیدیم، نزدیک به یک‌سال و خورده‌ای درگیر نگارش کار بودیم، حدوداً سه لی چهار بار باز نویسی اساسی کردیم، روتوش می‌کردیم، دو سکانس حذف می‌کردیم، دو سکانس اضافه می‌کردیم، از خاطراتی که برای ما تعریف می‌کردند، توی کار استفاده می‌کردیم.

دکوپاژ اثر را قبل از فیلمبرداری انجام داده بودید یا به صورت دکوپاژ سر صحنه عمل کردید؟

بامشخص شدن لوکیشن یک سری دکوپاژها را از قبل آماده کردم؛ اما بعضی‌ها با توجه به شرایط جوی و سکانس به سکانس که جا و می‌رفتیم بر اساس صحنه مان دکوپاژ می‌کردیم، تقریباً پنجاه پنجاه بود، خیلی‌ها را از قبل نوشته بودم و ترسیم کرده بودم و خیلی‌ها هم سر صحنه ایده جدید به ذهنم می‌رسید و تغییر می‌دادم.

لوکیشن خاص و بکر در کار داشته‌اید؟

سایت‌هایی که آنجا فیلم برداری کردیم با توجه به بافت خاکی که دارد یک محیط بکری است که فکر نکنم شما تا الان و به خصوص در فیلم‌های دفاع مقدسی دیده باشید.

برای فیلمبرداری از چه نوع دور بینی استفاده کردید و دلیل انتخابتان چه بود؟

خوب خواهد بود، بعد از جشنواره به بلافاصله برای اکران نوروزی اقدام خواهیم کرد.

اثر شما بازار بین المللی هم خواهد داشت؟

بله، به این جهت که این ابتکار و عملیاتی را که ما در این اثر به تصویر کشیده و ارائه کرده‌ایم، برای دنیا و به خصوص حوزه نظامی دنیا سؤال بوده که چگونه ایران توانسته بعد از حدود شش سال جنگ و با امکانات کم در آن عملیات هشتم و هفت فروند هواپیمای پیشرفته عراق را منهدم کند، نشان دادن این جنگ هوایی و چگونگی آن قابلیت دیده شدن جهانی را دارد.

در انتها اگر نکته یا صحبت خاصی دارید، بفرمایید؟

این فیلم در حوزه دفاع مقدس است و یک نبرد هوایی را به تصویر می‌کشد و یکی از اولین فیلم‌هایی است که در بخش نیروهای مسلح و در ارتش جمهوری اسلامی ایران، صفر تا صد توسط خود مجموعه ارتش سرمایه گذاری و پشتیبانی شده است، دلایلی هم این است که دوستان و مجموعه‌ها کمتر از این ستاری و موضوعات استقبال می‌کنند، اما باید بگویم که مجموعه ارتش و خصوصاً پدافند هوایی، حوزه‌های جذاب، دیدنی و لذت بخشی دارد که عزیزان سرمایه گذار و تهیه کننده می‌توانند بیایند و در این حوزه با خیال راحت کار کنند و مطمئن باشند که آثارشان موردقبال عمومی قرار خواهد گرفت.

هادی محمد پور، کارگردان:

در دنیاسابقه نداشته در بیست روز

هفتاد و هشت هواپیما منهدم شود

چه مدت زمانی صرف نگارش فیلمنامه شد و چندبار مورد باز نویسی قرار گرفته است؟